

مالکیت تعاونی



موضوع سخنرانی آیت الله شهید
سید محمد حسینی بهشتی در سمینار
شناخت نظام تعاون در ایران

البته يك مشخصه اصلی دیگر را که کم و بیش مطرح کرده‌اند و من پیشنهاد میکنم در سمینار مورد بحث قرار بگیرد و بعد در تهیه قوانین مورد توجه قرار گیرد اینکه در تعاونیهای تولید شرط صاحب سهم بودن، اشتغال در آن واحد تولیدی باشد یعنی تنها کسانی بتوانند در تعاونی تولید صاحب سهم باشند یا بمانند که در آنجا کار کنند.

بهر حال در اینکه اقتصاد تعاونی یعنی شیوه اقتصاد تعاونی و روابط اقتصاد تعاونی بعنوان یک راه حل عملی قابل ملاحظه در کشورهای گوناگون بکار رفته یا منشاء اثر قرار گرفته تردیدی نیست.

در تعاونیها حق رای به انسان داده می شود نه به سهام. شیوه تعاونی باید همکاری را جانشین رقابت کند. مالکیت تعاونی از نوع مالکیت های مشاع است.

مسئله اقتصاد تعاونی که در عصر ما، در جمهوری اسلامی ما، مورد توجه قرار گرفته، در حقیقت بر همان پایه‌هایی است که امروز در جامعه‌های مختلف نمونه‌اش را بوجود آورده‌اند.

در انگلستان اقتصاد تعاون مصرف و شرکتهای تعاونی مصرف بیشتر مطرح بود و جالب این است که با آماري که از ۱۵ سال قبل توانستم در یادداشت‌هایم پیدا کنم، هنوز هم انگلستان دارای بالاترین آمار برای شرکتهای تعاونی مصرف است. در فرانسه بیشتر اقتصاد تعاونیهای تولید مطرح شد. البته طبق آمار معلوم می شود که در این زمینه جلو نرفته ولی از انگلستان جلو تر است.

در آلمان اقتصاد تعاونیهای تولید در بخش کشاورزی خیلی رشد کرده بطوریکه بخش عظیمی از اقتصاد کشاورزی آلمان غربی بشکل شرکتهای تعاونی تولید است و مسئله

شرکتهای تعاونی مسکن برای حل مشکل مسکن در کشورهایی که هجوم به شهرنشینی مشکل مسکن را بوجود می آورد مطرح شده است. در این آمارها دیدیم که بالاترین تعداد شرکت تعاونی مسکن در اروپای غربی در ایتالیا است.

بعد شرکتهای تعاونی پیشه‌وران که در حقیقت تعاونی اعتباری است. ولی بهرحال در اینکه اقتصاد تعاونی، یعنی شیوه اقتصاد تعاونی و روابط اقتصاد تعاونی بعنوان یک راه حل عملی قابل ملاحظه، در کشورهای گوناگون بکار رفته یا منشاء اثر قرار گرفته تردیدی نیست. در کشورهای سوسیالیستی هم این اقتصاد تعاونی مطرح شد و پس از آنکه معلوم شد اقتصاد سوسیالیستی کامل، هنوز قابل اجرا نیست باز استفاده از تعاونیها بخصوص در بخش کشاورزی مطرح است.

در این چند روز اخیر که حوادث لهستان مطرح بود، در ذهنم است که این اتحادیه‌های کشاورزی که علیه وضع موجود قیام کرده بودند، نزدیک به ۸۶٪ تولیدات کشاورزی لهستان را اینها می‌دادند که این خیلی معنی دار است، یعنی در این کشوری که دهها سال است، زیر یوغ مارکسیست قرار دارد، می‌بینید که هنوز در بخش کشاورزی این مقدار آنها نقش دارند.

مشخصات شیوه تعاونی:

در نظام تعاونی، یا بگوئید بخش تعاونی یا شیوه تعاونی من هم فکر نمی‌کنم بشود بگوئیم نظام تعاونی، شاید صحیح‌تر باشد که بگوئیم شیوه تعاونی، در شیوه تعاونی می‌بینیم این نکاتی که اینجا عرض می‌کنم بعنوان نکات اصلی مورد توجه است:

اول اینکه، شیوه تعاونی باید همکاری را جانشین رقابت کند.

در اقتصاد آزاد و لیبرال، اساس بر رقابت است، هر پیشه‌وری، هر کارخانه‌داری، هر مزرعه‌داری، هر دامداری می‌کوشد تا با دیگران رقابت کند، انواع رقابت، اساس به هر

حال بر رقابت است.

شیوه تعاونی، پیشه‌وران، کشاورزان، تولید کنندگان گوناگون را در بخش تولید در يك مجموعه وارد می‌کند و از آنها می‌خواهد تا با تعاون با یکدیگر، و همکاری با یکدیگر، وضع تولید را بهتر کنند، یعنی همانهایی که تا قبل از تشکیل شرکت تعاونی رقیب یکدیگر بودند، حالا با تشکیل شرکتهای تعاونی همکار یکدیگرند، یعنی اتحادیه‌های بزرگ شرکتهای تعاونی که امروز در کشورهایی که دارای اقتصاد تعاونی هستند وجود دارد، باز این همکاری را بیشتر می‌کند. یعنی آنجا همکاری در یک شرکت کوچک است حالا در یک اتحادیه بسیار بزرگ.

دوم اینسکه امکانات لازم را که در جامعه‌های دارای اقتصاد دولتی، دولت باید بدهد و در جامعه‌های دارای اقتصاد سرمایه‌داری، مراکز سرمایه‌داری در اختیار دارند و بهرحال در آنجائیکه دولت می‌دهد باید دولت خیلی با تقوای باشد که بدهد و آزادهای سیاسی و اجتماعی آنها را نگیرد و در آنجا که مراکز سرمایه‌داری می‌دهند چنین تقوای وجود ندارد که بدهند و آنها رابه بردگی نگیرند. اینها می‌کوشند بصورت يك قدرت در آیند و این امکانات را چنان از درون خودشان گردآوری کنند و شکل بدهند و یا از مراکز عمومی که در جامعه هست جذب کنند که این مراکز عرضه کننده امکانات نشوند.

این مسئله دوم، یعنی در رابطه با عوامل خارجی درخط آزاد سازی تولیدکنندگان، یا مصرف‌کنندگان، از اینگونه مؤسسات استفاده کنند.

مسئله سوم که این هم در تعاون تولید هست، هم در تعاون مصرف هست، هم در شکل جدید تعاون تولید و مصرف خیلی بیشتر است، آزاد کردن مصرف‌کننده‌ها از واسطه‌های غیر ضروری در زنجیر مبادلات است.

در این نظامهای سرمایه‌داری، کالا چندین دست می‌گردد تا به دست مصرف‌کننده برسد که هیچ ضرورتی ندارد. این می‌تواند از تولید

کننده به دست مصرف‌کننده برسد با یک واسطه یا حداکثر دو واسطه که آنهم در هم آمیخته، بنابراین کاستن واسطه‌ها و در حقیقت مبارزه با اشتغال کاذب و کار کاذبی که بهرحال اگر هیچ سوء استفاده هم نکنند و خرج تجارت خانه خودشان را در بیاورند، باز هم تحمیل هستند بر تولیدکننده و مصرف‌کننده.

مسئله چهارم این است که در تعاونیها حق رای تابع سرمایه نیست.

این مسئله را هم ما آن موقع که در قانون اساسی مطرح بود در جلسات خصوصی تر مطرح می‌کردیم که در آینده در تدوین قوانین باید به این اصل اهمیت داده شود. این اصل از نظر فنی و اجرایی دقیق و مشکل است و این نباید ساده تلقی شود که هر عضوی يك رای دارد سرمایه‌اش هر چقدر می‌خواهد باشد. در شرکتهای سهامی خاص و در شرکتهای سهامی عام، مسئله اینطور نیست و در همه اینها رای برای سهام است. حال شما در تعاونیها می‌خواهید رای به انسان بدهید و نه به سهام. بهر حال در اینکه اقتصاد تعاونی یعنی شیوه اقتصاد تعاونی و روابط اقتصاد و تعاونی بعنوان یک راه حل عملی قابل ملاحظه در کشورهای گوناگون بکار رفته یا منشاء اثر قرار گرفته، تردیدی نیست.

این را بعنوان يك نقطه مهم انسانی کردن روابط اقتصادی در اقتصاد تعاونی رویش تکیه باید داشته باشیم. اینها مشخصات اصلی هستند در اقتصاد تعاونی.

البته يك مشخصه اصلی دیگر را که کم و بیش مطرح کرده‌اند و من پیشنهاد میکنم در سمینار مورد بحث قرار بگیرد و بعد در تهیه قوانین مورد توجه قرار گیرد اینکه در تعاونیهای تولید شرط صاحب سهم بودن، اشتغال در آن واحد تولیدی باشد. یعنی تنها کسانی بتوانند در تعاونی تولید صاحب سهم باشند یا بمانند که در آنجا کار کنند. این بطور معمول هست در تعاونیهای دنیا، اما در ایران، زمینه غفلت از آن خیلی بالاست چون مواردی را برایم نقل کردند که شرکتی که حالا بدون این حرفها و اصطلاحات، بر همین اساس

بوجود آمده، ولی آرام آرام صاحب سهمی پیدا کرده است که اینک در آن واحد تولیدی دیگر شاغل نیست. این را بعنوان يك خطر تلقی کنید که بعنوان يك چیزی که آرام آرام آن واحد تعاونی تولیدی را از مجرای خودش خارج می‌کند و یک چیزی می‌شود. آمیخته از شرکت سهامی و شرکت تعاونی. بنابر این

مشخصه پنجم اینکه در تعاونیهای تولید صاحب سهم حتماً بایستی در آنجا شاغل باشد

مالکیت و انواع آن:

با این مشخصات که برای تعاونی عرض کردم در مورد مسئله مالکیت تعاونی، مسائلی از نظر حقوقی و فقهی مطرح می‌شود که اینها در تهیه قانون و تصویب آن باید مورد توجه قرار گیرد.

مالکیت در اسلام، یا مالکیت دولتی است یا مالکیت غیر دولتی چون در حقیقت ما ۳ نوع مالکیت داریم. مالکیت دولتی، مالکیت شخصی را هم معمولاً دو نوعش می‌کنند (شخصی و خصوصی) که با این حساب می‌شود گفت چهار نوع مالکیت داریم:

مالکیت شخصی که معلوم است هر کس مالک چیزی است مثل لباس خودش.

مالکیت خصوصی، اصطلاحی است برای همان مالکیت شخصی بشرط اینکه مالکیت ابزار تولید باشد. مالکیت شخصی ابزار تولید را اصطلاحاً مالکیت خصوصی می‌گوییم.

مالکیت عمومی و مالکیت دولتی، اینها هم در حقیقت يك زیر بنا دارند يك قلمرو دارند، چیزهایی که ملک عمومی مردم است اینها دو نوع است: اگر دولت که نماینده مردم است نتواند آنها را بخرد و بفروشد و به اشخاص واگذار کند، می‌گوییم مالکیت عمومی.

مالکیت عمومی، مالکیت جامعه نیست، به چیزهایی اطلاق می‌شود که هیچ کس حق واگذاری و نقل و انتقال آن چیزها را به اشخاص و گروهها و شرکتهای ندارد. در قانون اساسی شوروی که مصوب ۱۹۷۷ است

اول اینکه، شیوه تعاونی باید همکاری را جانشین رقابت کند.

مسئله دوم یعنی در رابطه با عوامل خارجی در خط آزاد سازی تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان از اینگونه مؤسسات استفاده کنند، مسئله سوم که این هم در تعاون تولید هست، هم در تعاون مصرف هست، هم در شکل جدید تعاون تولید و مصرف خیلی بیشتر است، آزاد کردن مصرف‌کننده‌ها از واسطه‌های غیر ضروری در زنجیر مبادلات است.

مسئله چهارم این است که در تعاونیها حق رای تابع سرمایه نیست.

صریحاً گفته می‌شود که جنگل‌ها، زمینها، منابع طبیعی دارای مالکیت عمومی هستند، بدین معنا که دولت حق واگذاری يك وجب آنها را به اشخاص ندارد، یعنی زمین‌ها تملیک نمی‌شوند بلکه بعنوان بهره‌برداری در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

در فقه ما اراضی خراجیه از این قبیل هستند. یعنی سرزمین‌های خراجی، سرزمین‌های آبادی که سپاهیان اسلام آنها را فتح کنند، نمی‌شود سرزمین‌های مفتوحه‌العنوه یعنی زمین‌هایی که به قدرت سپاهیان اسلام فتح شده و در آن موقع آباد بوده، اینها ملک عمومی مسلمین است در عصر و نسل‌ها.

این یک نمونه مشخص از مالکیت عمومی است، یعنی دولت هم در اینجا نمی‌تواند عمل يك مالك را انجام دهد. حق نقل و انتقال ندارد.

غیر از این ما نمونه مشخص دیگری برای مالکیت عمومی در اقتصاد اسلامی‌مان نمی‌توانیم ذکر کنیم، ولی مالکیت دولتی در اسلام فراوان است. در اسلام، همه زمین‌های آباد و غیر آباد، آنهایی که آباد طبیعی است،

مثل مراتع و جنگلها، یا آنهایی که غیر آباد است مثل زمین‌هایی که هیچ آبادی در آن نیست، اینها ملک عامه مردم است. اما امام، یعنی دولت می‌تواند در آن تصرف کند. می‌تواند آن را به اشخاص واگذار کند، البته با شرایط خاصی، با شرط، بی شرط، هر جوری که مصلحت جامعه باشد، یعنی دولت به نمایندگی از عامه مردم حق نقل و انتقال و تصرفات مالکانه در آن را دارد.

آن وقت دیگر مالکیت اینگونه منابع طبیعی به اضافه معادن و... به اضافه مالکیت آنچه از طریق وزارت دارائی بدست می‌آید و آنچه خریداری می‌شود، ساختمانهای دولتی، ماشینهای دولتی، میز و صندلی دولتی، و هر چه از این قبیل، منقول و غیر منقول، اینها می‌شود مالکیت دولتی، در حقیقت مالکیت عمومی است و فرقی با اولی این است که در اولی صرفاً مالکیت عمومی بوده و دولت حق هیچگونه تصرف مالکانه نداشت فقط می‌توانست بعنوان متولی، عین متولی موقوفه، همان کاری را که متولی موقوفات می‌کند، متولی که مالک نیست آنجا متولی است، یعنی مدیر است، همان کاری را که متولی در موقوفه می‌تواند بکند دولت هم در اراضی مفتوحه‌العنوه می‌تواند بکند این می‌شود مالکیت عمومی که دولت هیچ نقش مالکیت ندارد. اختیارات مالک را ندارد.

مالکیت دولتی به مالکیت عمومی گفته می‌شود که دولت به نمایندگی از عامه مردم اعمال اختیارات مالکیت را می‌تواند بکند، حتی در حد نقل و انتقال. این است که در حقیقت هر دو، گونه‌ای از مالکیت عمومی هستند، همچنانکه مالکیت شخصی و خصوصی هم به دو گونه از مالکیت شخصی هستند.

در مالکیت عمومی وضع مشخص است ولی در مالکیت شخصی و خصوصی دو حالت وجود دارد، یکی مالکیت بصورت فردی و یکی مالکیت بصورت مشاع، مالکیت‌های تعاونی قطعاً از نوع مالکیت‌های مشاع هستند.

در این هیچ تردیدی نیست. یعنی صاحبان سهام در شرکت تعاونی تولید یا مصرف، در کل دارائی این شرکتها سهیم هستند پس مالکیت در آنجا مالکیت مشاع است. سئوالی که هست این است که این مالکیت مشاع را چگونه باید توجیه کنیم که با آن هدفهایی که برای شرکتهای تعاونی عرضه کردیم با هم بخواند.

اگر ما هم بخواهیم مالکیتی که اینها دارند مالکیت مشاعی باشد، شبیه مالکیت مشاع در شرکتهای سهامی، آن هدفها هرگز تأمین نمی‌شود، يك مختصری تأمین می‌شود، ولی هدفهای اصلی تأمین نمی‌شود. مثلاً در مالکیت، آیا می‌توان گفت که هر يك از صاحبان سهام يك رای دارند؟ در موازین فقهی فعلی يك چیزی از این قبیل بچشم می‌خورد، به این معنی که گفته می‌شود اگر يك ملك مشاعی را خواستیم تصرف کنیم و مورد استفاده قرار دهیم، باید از همه صاحبان سهم اجازه بگیریم. همین موازین متعارف فقهی در مالکیت مشاع، حتی در شرکتهای سهامی، این را مطرح می‌کند که هر صاحب سهمی دارای یک رای باشد می‌خواهد سهمش کم باشد یا زیاد.

از این نظر روی این موازین، مثل اینکه از این جهت خاطرمان جمع است که در مالکیت تعاونی بهر حال هر صاحب سهمی يك رای دارد. این مسئله باید در شرکتهای سهامی حل شود که آیا انجام هر صاحب سهمی يك رای دارد و کسی هم که هزار سهم دارد در مجمع عمومی يك رای داشته باشد؟ این را باید آنجا در شرکتهای سهامی حل کرد. ولی قدر مسلم این است که در شرکتهای تعاونی که خلاف چنین شرطی نمی‌شود و نمی‌گذارند بشود.

این يك بعد شرکتهای تعاونی در مالکیت تعاونی تأمین شده است، یعنی اگر شرط نکنند تأمین شده است چه رسد به اینکه شرط کنند که همه باید دارای رأی مساوی باشند پس مسئله داشتن هر صاحب سهم يك رای در مجمع عمومی در مالکیت تعاونی بر طبق موازین ما در مالکیت مشاع تأمین شده است.

مسئله دیگر این است که در آنجا که

شرکت تعاونی تولیدی داریم، کسی که در آنجا کار می‌کند می‌تواند صاحب سهم باشد و اگر کار نکرد و رفت بیرون چه می‌شود؟ هیچ کس نمی‌گوید که سهمش از بین می‌رود، می‌گویند معادل آن سهم را، یعنی ارزش قیمتی آن سهم را به او می‌پردازند و ملزم است که این ارزش قیمتی را بگیرد و برود. برای اینکه غرض از شرکت تعاونی تولید این بود که صاحبان نیروی کار بوسیله صاحبان سرمایه استثمار نشوند و انگیزه این را داشته باشند که برای خود کار کنند نه برای سرمایه‌دار و حتی نه دولت، خود انگیزختی اقتصادی، بنابراین، این مسئله هست که ما باید در مالکیت سهام در تعاونیها بتوانیم این شرط را بکنجانیم.

همانطور که مسبقاً این شرط امروز در بسیاری از شرکت‌های سهامی خاص هم ضرورت دارد. شاید در شرکتهای تضامنی یا با مسئولیت محدود این شرط ضرورت نداشته باشد والا در شرکتهای سهامی معمولاً ضرورت دارد.

از مسائلی که باید در بحث مالکیت مطرح شود حق واگذاری سهام است. علی‌القاعده باید در شرکتهای تعاونی تولید بگوئیم اگر صاحب سهم خواست برود و يك نفر دیگر خواست بیاید در شرکت کار بکند و آنهم مثل این حاضر است در شرکت جای این کار کند، سهمش را بخرد اشکالی وجود نداشته باشد. ولی ما می‌دانیم که مسئله مدیریت و مسئله جمع و جور کردن سهامداران و کارکنان يك مؤسسه مسئله پیچیده‌ای است. چه بسا يك آدم ناجور از این طریق وارد تعاونی تولید شود و جو همکاری آنجا را به جو تضاد و درگیری تبدیل کند. این است که در بعضی از شرکتها که خود من در تهیه اساسنامه‌هایش بودم، آنجا قید می‌کردند که حق واگذاری سهمش را به دیگری دزد به شرط تصویب هیئت مدیره. آیا این از آزادی او می‌کاهد، نمی‌کاهد، مشروع است یا غیر مشروع؟ اینها هم باید در آثار مالکیت تعاونی مطرح شود.

سود در مالکیت تعاونی:

مسئله سود هم در بحث مالکیت تعاونی مسئله قابل توجهی است. سود و زیان بر حسب سرمایه داده می‌شود، بنابر این کسانی که آنجا کار می‌کنند باید برای کارشان حقوق متناسب دریافت کنند. یعنی هیچکس با کارش دیگر نمی‌تواند در شرکت تعاونی تولید در سود سهیم شود. این جزء مسائل فقهی است که الان رویش فتوا است و باید ببینیم آیا این تا چه اندازه موافق است با منظورهائیکه از اقتصاد تعاونی مورد نظر بوده و تا چه اندازه‌ای مورد نظر نیست. البته عملاً روند اقتصاد تعاونی در جوامع و کشورهای دیگر همین طورهست یعنی کسی که آنجا کار می‌کند، متناسب با وضع کارش دستمزد و حقوق دریافت می‌کند و اگر سودی ماند بین سهام تقسیم می‌شود. ولی در تعاونیهای مصرف می‌آیند روی میزان خرید هم تقسیم می‌کنند، یعنی يك عامل دیگر غیر از سرمایه را در سود دخالت می‌دهند. آخر سال صورتی از میزان خرید، میزان سرمایه تهیه می‌شود و سود بر آن اساس تقسیم می‌شود.

به هر حال مسئله‌ای که در رابطه با مسئله مالکیت تعاونی مطرح است مسئله تقسیم سود است اگر خواستیم در تعاونیهای مصرف این فرمول متداول را که میزان خرید در سود دخالت داشته باشد، از نظر احکام مربوط به مالکیت مشاع و مالکیت تعاونی چه خواهیم کرد؟ آیا ما می‌توانیم با شرط در معامله، با شرط در قرارداد، با شرط در خرید سهام، این را رعایت کنیم یا نه؟

مسئله دیگر اینکه در قانون اساسی گفتیم دولت بدهد، نخواستیم که سرمایه را دولت به صورت سرمایه دولتی بدهد، آنجا نوشتیم وام، یعنی سرمایه تبدیل می‌شود به سرمایه خصوصی و مانند وامی است که به افراد خصوصی می‌دهد.

آنچه در بند ۲ از اصل ۴۳ قانون اساسی آمده بیشتر مربوط است به اینکه بیشتر وام بدهند که شرکت تعاونی بوجود آورند تا یکماه قبل حدود ۲۷۰۰ شرکت تعاونی با وام دولت بوجود آمده است.